دو اشتباه رزکشی در فضای قرائات

- الف) اشکال به تواتر قرائات
- ب) تفاوت حقیقت قرآن و قرائات

الف) اشکال به تواتر قرائات

زرکشی دو حرف دارد که هر دوی آن‌ها بی خودی است. دیروز یکی از آن‌ها را گفتم. با این‌که بزرگ است و خیلی زحمت کشیده است. البرهان فی علوم القرآن او برای خودش چیزی است. اما مانعی ندارد که در فضای مباحثه این‌طور بگوییم. عرض می‌کنم که چرا این حرف‌ها پیش آمده. گاهی یک حرفی برای حل کردن یک فضا یک بحران است؛ می‌بینیم راه بهتری دارد؛ اصلاً راهش این نبوده. یک حرفی را برای حل این بحران در می‌آورد. این حرف بی خودی است. غیر از این است که حرف بی خودی زده است. گاهی می‌بینید یک بحران و حلی دارد. این دو حرف برای او است. یکی از آن‌ها را دیروز خواندیم.

گفت «تواترها عن النبی فیه اشکال». چرا؟ چون سندهای آن‌ها آحاد است؛ واحد از واحد است. خب این حرف بود که مثل او بزند؟! من از خود کتاب البرهان او آورده‌ام. در فدکیه هم گذاشته‌ام. خودش مواردِ متواتری را ذکر می‌کند؛ سندهای مختلفی را ذکر می‌کند که واحد از واحد نیست.

ب) تفاوت حقیقت قرآن و قرائات

حرف دومی که او دارد این است: قرآن و قرائات دو حقیقت متفاوت هستند. القرآن و القرائات حقیقتان مختلفتان. این حرف را او در آورد. تفاوتی هم که زرکشی با دیگران داشت این بود: در فضای قرائات، اقراء فن است اما کسی که مقری است لازم نکرده عالم باشد. برای خودش فنی است که از استاد تلقی کرده و میخواند. زرکشی در فضای اقراء و مقری نبود، عالم بوده. فقیه بوده. یعنی کسی بود که ذهن قوای داشت. لذا این حرف را که در آورد–القرآن و القرائات حقیقتان مختلفتان- خیلی از مقری ها و قاری ها از او متابعت کردند. اگر این مقری ها در علم قوی بودند از او متابعت نمی کردند. اگر مثل ابن جزری بودند جلوی او می‌ایستادند. نمی گذاشتند ادامه پیدا کند. ولی متأسفانه بعد از فضایی که او در آورد، کتاب او نشر پیدا کرد و عده‌ای از مقری ها از او تبعیت کردند. بعد از مدت ها همه دیدند که او چشم بندی میخواهد بکند. الآن هم برای کسانی که میخواهند آب را گل آلود کنند یکی از مهمترین مطالب همین است. القرآن و القرائات حقیقتان مختلفتان. و حال اینکه اینطور نیست.